در ایام هفته بقدر امکان طبع و نشر میگردد

تک نمره هفت شاهی

مدیر غلامحسین کسمائی

محل اداره کسما

عنوان تلگراف و تلفون : از توجه اولیا امید داریم

عنوان مراسلات پستی : فومن . کسما . مدیر

وجه اشتراک بعد از سه نمره دریافت میشود

قیمت اشتراک

یکساله ۵۰ قران

شش ماهه ۳۰ قران

جنگل

۱۳۳۵

این روزنامه فقط نگاهبان حقوق ایرانیان و منور افکار اسلامیان است

افادهٔ مرام

کارکنان این روزنامه برای آگاهی هموطنان بنام آزادی مطبوعات در صدد تأسیس این جریده در این ناحیه برآمدند

سبب تأسیس این اوراق از لزوم گذشته بلکه واجب بودن فوت وقت غفلت را کنار گذاشته با جزئی فرصت با فراهم نمودن لوازمات مجالساً موفق گشته توفیق این خدمت و بپایان رساندن این مقصود را از حضرت احدیت خواستاریم

مقصود ما عبارت پردازی و اطلاعات خارجه نیست بلکه شکسته و افکاری خسته با زبانی الکن میخواهیم اظهارات خود را از نظر ملت بگذرانیم

شاید بدین وسیله افکار عمومی را متوجه ساخته [illegible] شوند از صاحبان افکار عالیه و ارباب قلم استمداد میطلبیم

اعتذار

اول باید دانست که جمعیت موسس این نامه ملی ایرانی و مغز فی نژاد و طرفدار حقوق و مطیع قانون میباشند جهت طبع و نشر بدون امتیاز از وزارت جلیله معارف با فوت وقت بوده است [illegible] لذا بموجب این در اولین شماره از آن مقام منیع امتیاز این جریده را خواهانیم

اولین قدم برای حسن جریان انتخابات

انتخابات چهارمین دوره تقنینیه اذهان عموم را متوجه و جلب و متوجه ساخته است و منتظرند نمایندگانی که مسئول حیات و ممات قطعی ملت [illegible] کرسیهای پارلمنت را اشغال خواهند نمود یعنی در این دوره تقنینیه یا کشتی غرق مرگ به مثال این [illegible] و خاک خواهد نشست و یا نسیم حیات بمشام وطن رسیده و جنبش در اعضای فالج وی [illegible] خواهد شد

پس ملت ایران در یک بحران هولناکی که اصل سیاست این [illegible] نظر از اکثر آنان [illegible] تیغ کرده است در اینجا که [illegible] این جهت هیچ آتیه از تعهدات [illegible] و از گوشه و کنار مشهود میگردد ما را باز یک [illegible] امر مینماید [illegible] خیال امیدمان [illegible] بدین معنی که فعلا امید داری که [illegible]

دانسته‌ها و حسن جریان انتخابات است که به تکرار آنهم!
یک دستگاه فوق‌العاده مرتب از ادوار سابقه بدتر و قباحت آورتر است در حال جریان میباشد

واضح است که این قسم جریان انتخاب تا چه درجه عاقبت وخیم خواهد داشت و بچه اندازه آتیه این آب و خاک را تهدید مینماید

آری اولین قدمی که برای حسن جریان انتخابات لازم بوده و میباشد و چندان وقت هم فوت نگردیده مانا تغییر حکام و روسای سابقه و سلب اقتدارات غیر مشروعه ایشان میباشد از قبیل ظل السلطان‌ها و فرمانفرماها و کامران میرزاها و معتمدالدوله‌ها و غیره

چه همین حکام و روسا امروزه که مصادر امور ایالات و ولایات‌اند از همان زمره اشخاص‌اند که تا دیروز با یک وقاحت غیرقابل تقریر دست بدست ستمکاران ستم‌پیشه استبداد خیش خود و هواخواهان جور بعید سلطنت مستبده منفوره کهنه روسی داده . ما را از روزگار نوع خود برآورده و له به هیچگونه لطمه بناموس وطن و هموطنان خود مضایقه نکرده‌اند

انصاف باید داد که باز هم دارای این گونه اشخاص با اقتدارات و اختیاراتیکه مواد (۱۰) و (۱۱) قانون انتخابات نمایندگان مجلس ملی بدیشان میدهد

آیا ثمره و نتیجه بجز سوق دادن ملت بوادی خطرناک و تهدید یا اضمحلال چیز دیگری را در بر خواهد داشت و آیا جریان این انتخاب اطمینان بخش خواهد بود

وکلائیکه بدسیسه ایمان و پارتی بازی فرق مخصوص (که دارای فراکسیون پارلمانی هستند) برگزیده شوند قابل قانون گذاری و زمامداری مملکتی بوده و شایسته سپردن ناموس ملی بچنگ اقتدارشان خواهد بود ؟؟
که امروزه همان گرگان آدم خوار خود را بلباس میش در
[illegible]

و باستان وطن معرفی مینماید
ود . چه ساده لوحی . و چه سهل انگاری ما نیز با پشتیبانی افکار عموم اسلامیان ایران آنان را خاطرنشان مینمائیم که ایرانیان امروزی بدین اغفالات و عوض کردن لباس و تجدید پرده‌ها فریب نخورده و هیچوقت خود را آلت دست شما قرار نخواهند داد و میگوئیم .

ای بیخبران خائن بیفکر بدانید که ملت ایران لذت انتقام را چشیده و از این طعمه لذیذ دست بردار نخواهند بود : و روش متخذه جدیده خود را که **مجازات فوری خائنان است** کنار نخواهند گرفت

اگرچه آنچه بزرگترین خیال و آمال نیز تصمیم شده و تصمیم هیئت معظم دولت متبوع ما را که شروع باصلاحات و تصفیه عناصر فاسده و دفع مواد موذیه و خلع حکام جابره و انتخاب شایستگان مملکت را از جهت سرپرستی ملت است محترم شمرده و در صدد اخلال برنیامده

بدون فوت وقت سزای آنان را در کنار آن خواهند هشت :

و ما نیز این اقدام بموقع هیئت معظم دولتی را که باصلاحات شروع کنند با قلبی مملو از دولت خواهی و وطن پرستی تقدیس کرده : و موفقیتشان را در این فداکاری عظیم که اولین قدم برای حسن جریان انتخابات است درخواست مینمائیم

ج

آقای مدیر محترم روزنامه جنگل سواد تلگراف ذیل را که بطهران مخابره شده برای اطلاع قارئین کرام در اولین شمارهٔ جریدهٔ خود درج فرمائید

سواد تلگراف

توسط حضرت اشرف آقای مستوفی الممالک
خاکپای اعلیحضرت شاهنشاهی خلد الله ملکه :
افتتاح دارالشوری تاکنون برای مرتبه تجدید

متعسر بود اکنون با اقبال بیزوال شاهنشاهی موانع
مفقود و شرایط موجود و فرمان جهان مطاع که
حاکی از حسن نیات مقدسه و مرام ملوکانه بود
صادر
مضرات تأخیر این امر در پیشگاه همایونی مشهود خائنین
بمسائل مشغول استدعا داریم امر اقدس اعلی
بسرعت انتخاب و تشکیل دارالشوری که یکی از
مقاصد فدائیان است مقرر تا پس از افتتاح
مجلس سایر مقاصد و مرام فدائیان که فقط متضمن
حفاظت وطن و ملت و صیانت تاج و تخت
اعلیحضرت شاهنشاهی بوده است بپایه
سریر مقدس معروض گردد

محل هیئت اتحاد اسلام گیلان

مکتوب محلی

تقدیم تشکر : درخواست فعلیت
قول و فعل لازم است

روزنامه مساوات در شماره ۴ تحت عنوان مکتوب سرباز
مقاله مندرج بود بی اختیار محرکم گردید که نیات صادقانه
خود و هم قطارانم را توسط این جریده و در ضمن ادای تشکر و
عرض جواب مشهود دارم
بدیهی است که هیچ قومی در عالم مانند ملت ستمکش ایران
بآزادی ملت روسیه که در زیر زنجیر اسارت حکومت
مستبده پلیدترین روزگاری دچار بودند علاقمند
نبوده و نیست
توضیح واضح میدانیم که بگوئیم حقیقت دموکراسی تمام
اقوام عالم را متحد و وحدت مطلبات هر ملتی را بدون
ملاحظه اختلاف نژاد و مذهب متضمن جلاء و این

نظریه که آزادی هر ملتی بالنتیجه سبب مسرت ملل دیگری که
طریق آزادی را طی مینمایند خواهد شد مملکت و ملتی
است که برای تعلقات اقتصادی و همجواری و غیره
علاقه حیاتی با ممالک دیگر داشته ناگزیرند که رشته
مودت خود را محکم و از معاونت یکدیگر بهرهمند گردند
ملت ایران آن ملتی است که بیش از اقوام سایره با ملت
روسیه مرتبط و منتظر حسن روابط همجواری است
ایران محنت دیده یازده سال است که بقربانی هزارها
فرزند رشید خود حریت را تحصیل و در این مدت برای بسی
مظالم وحشت خیز حکومت تزاری فرد فرد موفق باصلاحات
نگردیده کلمه آزادی از دایره لفظ خارج نشده بلکه سخت
تر از استبداد سابقه دچار ظلمات طاقت فرسا گردیده
اطفال پدر کشته پدران و مادران پسر مرده مردان
هستی بباد داده که بامید استشمام رائحه عدالت تحمل
این همه خسارت نموده با دیده حسرت نگران و منتظر که
روح مساوات روزی آنها را بآرزوهای دیرینه ایشان
سوق دهد
لطایف غیبیه نگذاشت که خاموش کننده عدالت
شیرازه محکم کند امیدواریها کامل و دست طبیعت بر سبیل
انتقام از آستین مردانه جوانمردان روسیه بیرون
با یک انقلاب پر از شرف تزار را از تخت سرنگون
تختش واژگون ستمدیدگان روسیه استنشاق نسیم
فرح بخش حریت کردند
موفقیات ملت روس بقدری بامید ایرانیان
افزود که هیچیک از عناصر ایرانی (سوای یک جمعی
رذل منحرف) نتوانستند از اظهار شعف خود داری
کنند منتظر بودند که سریعاً از طرف حکومت دموکراسی

روس جبران مافات شده بلکهای مادی ومعنوی تخلیه
ایران والغاء امتیازات مشئومه مرهمی بجراحات قلوب
ما بگذارند

مع التاسف تا امروز اظهارات مساعدت آمیز دولت
وملت روسیه مثل مشروطیت یازده ساله ما پا از
دایره لفظ بیرون ننهاده در حالتیکه

قول را فعل لازم است

این نکته مسلم است که ملت روسیه طبعاً نجیب و ملایم
دارای محبت ذاتی و شرف آدمیت هیچگاه از ابراز
حسیات دوستانه درباره همسایگان خود خاصه ایران
خودداری ننموده اکنون نیز ایرانیان همه اظهارات
برادرانه آنانرا بحسن قبول تلقی میکنند ولی قشون
وملت را جز اطاعت دیسیپلین حکومت مشروطه
خود چه تکلیفی است

حوادث اخیر پطروگراد گواه صادق ما نیست ؟
اظهارات و تاسفات بر شهدای ما البته شایان
تقدیر است ولی امروز نه بمرده [illegible] امید گفت
چشم بزندگانی ایرانی حق حیات استقلالی داده میشود ؟
حکومت دمکراسی روس با صمیمیت ملت خود
نسبت بما همراه است ؟
در اینجا جواب منفی است ! چرا ؟
تا امروز فعلیتی ندیدیم درحالتیکه

قول را فعل لازم است

از آغاز جنگ بین المللی ایران رسماً بیطرفی خود را اعلام
ومطمئن بود که دول همسایه نقض بیطرفی او را نخواهند
همسایگان جنوب وشمال باسم جلوگیری از
بود با کانه الان بنای مداخله علنی وحبس قنسولات

خودشان مامور داخلی ما مداخله کرده بیش از سایر دول
موجب اختلال مملکت بودند بجای آنکه در هیچ
موقعی دست از تجاوز کشیده سفراء و قنسولات
خود را که هر یک در حوزه ماموریت خود سلطانی
مستقل و مقید بهیچ قیدی نبودند امر بمسالمت نموده
و دولت ایرانرا بمساعدت خود بگذارند بیطرفی
خود را محفوظ و فواید بیطرفی آنرا خود جلب کنند
هیچیک از اینها عطف نظری نکرده سهل است
از همه تغلظت و تعدی مامورین ایشان افزوده
و از طرفی بنای سوق قشون گذاشته سبب شدند
که مدعیان آنان بعنوان معارضه مثل قشون وارد
کرده ایرانیانرا علاوه هزاران بدبختی دچار
قتل و غارت بهت آوری نمایند که ترسیم آنها از
دائره قدرت فعلی همه ما خارج باشد چقدر زود
حقیقت از یاد مان میرود !!!

قشون عثمانی در بدو جنگ مگر قادر بتجاوز و دخول
در خانه ما بودند ؟
جنگهای همدان و کرمانشاه زمان رئیس الوزرائی
عین الدوله از خاطر ما محو شد ؟

چه چیز سبب شد اخیراً از ورود عثمانی بخاک
ایران ممانعتی بعمل نیامد ؟
همان وجود قشون روس عدم ورود قشون
جدید روس و مداخله دولتین انگلیس و روس
صریحاً !
آیا میتوانید انکار کنید ؟!

قشون ایران ازکدام نقطهٔ سوق الجیشی برای دولت روس مثمر ثمر است ؟ که با آنهمه امتحانات نوزده ماهه هنوز از این پلتیک بی صرفه دست نکشیده اگر مقصود محاربه با عثمانی است سرحدات قفقاز دارهیه از هر جهت برای سوق قشون مناسبتر و بهتر است دیگر دست از گریبان مشتی بیچارگان برنداشتن و مملکت آنها را میدان محاربه قرار دادن جز تولید سوء تفاهم نتیجهٔ دیگری خواهد داد

مگر دولت وقت ایران تقاضا کردند که شما ایران را تخلیه کنید بیرون کردن عثمانیها را ما عهده داریم آیا امتحان کردند ؟

آیا عثمانیها جز بعنوان بیرون کردن قشون روس از ایران متوسل بعذر دیگری شدند ؟

آیا امروز که قشون عثمانی از ایران خارج و بغداد در تصرف متحد آنها و حکومت روسیه دموکراسی مهاجرین ایرانی اغلب بایران عودت کرده دیگر جای عذری باقی است ؟

باز هم مواعید دیپلوماسی که اساسش نقش بر آب است ؟ !

باز هم باید حقیقت در حجاب الفاظ برادری [illegible] شاهد بازاری باشد ؟

آیا میتوان امروز دربارهٔ روس صرف نظر کرده و بقول تنها مطمئن شد در حالتیکه

قول را فعل لازم است

انگلیس برای نداشتن قشون کافی در اواسط جنگ بین المللی دولت مستبدهٔ تزاری را آلت و باسم جلوگیری از هجوم احتمالی عثمانیان محرک شد خاک ایرانرا میدان محاربه قرار دهد خود هم بوشهر را اشغال حدود یا تحواه خود را با هزار تومان سرمایهٔ روس منظم و شریک مساوی شدند که فوراً خود را با تشکیلات جدیدهٔ قشونی خود تأمین کنند

امروز که انگلیس دارای قشون بری کافی است عثمانیها از ایران خارج دولت وقت آزاد روس عدم صرفه قشونداری را حس کرده دانستند که تخلیهٔ ایران از اشغالش بیشتر مقرون بصرفه است تا امروز آلت بودند ازاین بعد نباید آلت شد دیگر چه تأملی ؟ !

عجبا . میگویند درصورت خروج عثمانی و انگلیس از ایران در خاتمهٔ جنگ قشون ما عودت میکند !

عثمانیها که رفتند . گویا همان صورت همیشه عثمانیها را اراده میکنند ! ؟

انگلیس که متحد آنها است .

خاتمه و یا دوام جنگ (جز اینکه برای منفعت بشری) ما را از قتل ابنا و بشر متألم میکند دیگر چه ربطی بما دارد ؟ اگر مختصری قشون عثمانی در حدود کردستان و انگلیسها در فارس باشند برای توقف قشون دولت آزاد روس است

امتحانات ما را مجال خودمان بگذارید اگر عثمانیها و سایرین قاعده تجاوز دادند ما عاجز از جلوگیری شدیم آنوقت میتوانند بخلاف عقاید حکما ما را در دایرهٔ دور و تسلسل سرگردان کنند

دور و تسلسل

دولتین روس و انگلیس میگویند تا نبردیم وقتیکه عثمانی

بعلاوه عثمانی‌ها میگویند ما در ایران نیامدیم مگر برای بیرون کردن آنان روس و انگلیس هر وقت رفتند ما هم میرویم پس این فاصله تا بحشر لنگ است و ما در یک رشته دور و تسلسل مقید و باید مثل همه وقت گرفتار پنجهٔ عذاب باشیم

آقایان حس فاتحیت عثمانی و الآن مغلوبیت روس و انگلیس یا بالعکس چه نفعی بما خواهد داد.

ما میگوئیم همه بگذارند که ما در خانهٔ ویران خود نفسی براحت کشیده و در عالم برادری بقدری که خواهیم بکارش دهند زیاده بر این خیال اصلاحات ما را تعقیم نگذارند دنبال اقوال دوستانه نرفته افعال داشته بروز دهند زیرا لزوماً

قول را فعل لازم است

چگونه با یکمشت فلکزدگان آوارهٔ از خانمان میتوانیم با اظهار دوستی برادران روسی متقاعد شویم درحالیکه آنها سرقادر بجلوگیری از لجنک دولت مشروطهٔ خود نیستند! ساده‌تر توضیح کنم آنها هم در پنجهٔ زمامداران سروقت خود مثل هر وقت ما مقیدند

آیا دولت دموکراسی روس با مؤتلفین خود که آن مؤتلفین فقط و فقط برای توسعهٔ مستعمرات و اضمحلال اقوام صغیره جنگ میکنند صمیمانه جنگ میکند. مگر ملیونها از برادران نوعی و مسلکی ما را هنوز در قربانگاه فرونتهای مختلفه قربانی اوهوس دیگران نمیکنند؟

در حقیقتاً روح عالم بشریت برای قتل و انهدام این اعضاء نفیسه بشری عزادار است!

از اسرار معماهای لاینحل سیاسی که از فهم بندهٔ جنگلی خارج دایره است گذشته قدری ساده صحبت کنیم

بیرون کردن مشتی بیشرفان ایرانی را در گیلان نقاط دیگر ایران از قنسولخانهای خود و اقلاً از اینراه قدری حقیقت نشان دادن هم جزو اصلاحات مهمه است غول پلیم را در صورت بقای یکمشت خائن دیگر چه باید امید؟

اگر فسخ معاهدات مضره قدیمه یا الغاء امتیازاتی را که محمد ولی خان سپهسالار تنکابنی عاری از شرافت و است برخلاف قانون مملکتی داده و امروز در کمال سرعت مجری میشود لغو کردن یا سکوت عنه گذشتن قابل اهمیت است؟

چگونه میگویند که امتیازات سپهسالاری ملغی نشده درصورتیکه راه آهن پیربازار وغیره با معذرت کامل گواه صدق بنده و اشتباه شما است پس چه باید کرد؟ همان عنوانی است که بدواً عرض شد مساعدت عملی میخواهیم زیرا:

قول را فعل لازم است

جنبهٔ موقعیت و اقامت جنگل و عدم اطلاع از امور سیاسی وادی بالاخره بعلی و بعبوادی مجبورم ساخت که ساده و در دل کنم شاید با زبان جنگلی خود توانستم حسن دل خود را ثابت و برادران حریت طلب روسیه را آگاه کنم که آنها نیز چون ما دچار بدبختی هستند بقول باباطاهر عریان بیا سوته دلان گرد هم آئیم انها آلت دیگران ما گرفتار بی‌عهدی آنان هر دو هم فهمیده‌ایم که در حظیم بدبختانه هر دو که علاج نیستیم

چشم باز و گوش باز و این عمی
حیرتم از چشم بندی خدا

معاودت با رشت یا اقامت جنگل در عوض هم
زیرا ما ایرانی و ایران ویران خانهٔ ما در این مدت
با هجوم نکردیم بلکه همه وقت مورد هجوم سایرین
شدیم خصمانه ورود میکنند مدافعه میکنیم دو
ستانه می آیند پذیرائی مینمائیم گرچه مصادف
با یکعالم خجلتیم برای فقدان وسایل از مهمانان
محترم خود پذیرائی کامل نمودیم
در خاتمه از کمیتهٔ محترم کارکنان و تمام مهاجرین و عناصر
صالح وقت آزادی همیشه امتنان و تشکر نموده و میدانیم
که اظهارات شان از روی صداقت و صمیمیت بوده و خودما
بوده و ما هم در گوشهٔ جنگل با انتظار ایفاء مواعید برادرانه
آنها مقیم و این فراز را با یک دنیا امید متذکر که
قول را فعل لازم است

(یکنفر جنگلی)

قابل توجه کارکنان مساوات

در حین طبع روزنامه این خبر وحشت اثر بگوش
ما رسیده

اعدام

روز سه شنبه از کرمانشاه خبر رسیده که روسها
۱۸ نفر از اهالی را بدار زده اعدام نمایند تاکنون
بما کشف نشده که آنها از چه طبقه میباشند

ستارهٔ ایران

شدت حرکات قشون روس

اخیراً اخبار اسف انگیز تری از معاملهٔ نظامیان روس
نسبت با ایرانیها شنیده میشود که در صورت صحت باید
قضیهٔ ظلم و فشار را در نصف النهار ثابت داشت
شنیده میشود که قشون روس از اطراف کرمانشاه
عقب نشسته در موقع ورود بکرمانشاه دست تطاول
گشوده اند همچنین در خصوص مالگیری و خواستن آذوقه
تعدیات فاحش از ایشان نسبت برعایای بیچارهٔ ایران
مشاهده میشود که تا بحال این حرکات کم نظیر بوده ما
اینجا هم باز متوجه اولیای دولت و سفارت دولت
بهیه شده و درخواست علاج عاجل مینمائیم

سانسور

چند روز است که مجدداً تلگرافات همدان از طرف
روسها سانسور میشود مسئلهٔ سانسور هم که درباره
نقاط ایجاد شد و هنوز هم برقرار میباشد امر مضحکی است

بامداد روشن

راجع بنمایندهٔ معارف

از هیئت مدارس قومس و کسما پاکتی بادارهٔ رسیده
شکایت از نمایندهٔ محترم معارف که مدتی است خود خواست
پروگرام وزارت معارف و امتیاز مدارس را از ایشان
نموده ایم ابداً لطف توجهی نفرموده و تا بحال جواب را
با تأخیر انداخته اند

جنگل

از رئیس محترم معارف رشت دستور و پروگرام وزارت
جلیلهٔ معارف را درخواست مینمائیم که تشکیلات مدارس
این سامان ناقص نماند

راپورت وصله

از رشت بما خبر میدهند که ماژور عبدالله خان بعد از رسیدگی
بدفاتر دارائی و نظمیه خیانتهای اجزای سابق را
کشف کرده و بعد از محاکمه اغلب را عزل و بطهران
روانه نمودند غیر از محمود خان و میرزا شفیع که بدون
محاکمه خارج شدند
ما توجه آقای ماژور را باعمال این دو نفر خائن دولت
و ملت جلب مینمائیم

برای زنده داشتن نام یگانه شهید راه وطن میرزا جهانگیر خان مدیر صور اسرافیل یکقسمت از این جریده را بنام ذیل میگذاریم

(چرند پرند)

تلگرافات خارجه — بتوسط آژانس پیاده از فرودست سبزه میدان

یوم جمعه یکساعت و ۲۵ دقیقه بغروب مانده صدای غرش مهیبی از وسط سبزه میدان بلند گردید

(نطق امید بخش)

دیده بان عباسی ما در ظرف اظهارات خود چنین بیان نموده این غرش نسبت بسال سابق ۳۰ مرتبه سخت‌تر است چنین قسم که داد طلبانه جوانان ما با شکل و کروات عصا بر کف دست گرفته در خیابانهای سبزه میدان و سنگرهای باغ [illegible] عرض اندام مینمایند عنقریب است که مقام [illegible] را اجرا نمایند

(از قلمستان)

چندیم فوریه — در خرجه انتخابات رفته رفته وجود خارجی پیدا کرده و گوشه و کنار کسب اهمیت نموده احتمال بسی امراض مسریه میرود از قبیل (ریل) و (استعفای از وزارت) (مالیخولیا) از طرف مجلس حفظ الصحه خوب است برای جلوگیری این مرض مهلک یک قرنطینه در باغ وکیل هم گذارده شود که بیش از این سرایت نکند

(ادبیات)

این دوره تقنینیه چون دوره چارم است
[illegible]

این موقع فرخنده دگر موقع کار است
ای [illegible] در عالم [illegible]
این ماه دگر آخر ایام بهار است
نزدیک بایام که [illegible]
[illegible] شراب است خوار است قمار است

این دوره چه پاینده بپا باشد
ای ملت بدبخت که [illegible]
این رشته [illegible] [illegible]
ای مردم دل [illegible] که [illegible]
این شب چو آوینه [illegible] سخانه
تا وقت گذشت [illegible] که کوشش [illegible]
افسوس که روز همگی چون شب تار است

امروز که مشروطه آمد رفت [illegible]
با دوره تجدید باید که زاریم
امروز که روسیه آزاد بما داد
صد وعده جاوید ما خود بچه کاریم
امروز که باید بشود مملکت آباد
با این همه امید ما دگر [illegible]
هر کس بخر خویش بهر راه سوار است

امروز که همسایه با گشته پرستار
با مسلک خویش [illegible] چه گوید
امروز که بیگانه بگشته مددکار
از همت مردیش تا چاره بجوید
امروز که از قدرت سر [illegible] اجرا
خائن شده ولیش کی دست بشوید
او باز بهر گوشه که دیدیش سر بار است

[illegible]

محل فروش در [illegible] [illegible]

[illegible]